

نشست کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای، نهم شهریور ۱۴۰۴ به میزبانی چین آغاز شده‌است. در این اجلاس به مهم‌ترین اجتماع سالانه سازمان همکاری‌های شانگهای محسوب می‌شود، رؤسای جمهور ایران، روسیه، چین، بلاروس و جمعی از کشورهای آسیای مرکزی و نخست‌وزیرهای هند و پاکستان حضور دارند. ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ بود که در جلسه سران سازمان شانگهای در هند، ایران رسماً به عنوان عضو این سازمان اعلام شد و شهید آیت‌الله رئیسی رئیس‌جمهور فقید که اهتمام ویژه‌ای برای حضور ایران در نهادهای بین‌المللی مستقل داشت، برای اولین بار در اجلاس شانگهای سخنرانی کرد.

نشست شانگهای فرصت بزرگ خنثی‌سازی تحریم‌ها

تحولات اخیر منطقه و جهان نظیر حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، افزایش فشارهای سیاسی علیه محور مقاومت، فعال‌سازی مکتبسم ماشه و جنایات فجیع رژیم اشغالگر در غزه، فضای این نشست را تحت تأثیر قرار داده است. پایگاه خبری اسپیشیال اوراسیا در تحلیلی درباره ظرفیت‌های شانگهای برای ایران نوشت که جمهوری اسلامی ایران چرخش دیپلماتیک و اقتصادی خود به سمت شرق را افزایش داده و پس از درگیری با اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، به طور فشرده با روسیه، چین و هند تعامل داشته است. تهران خواهان روابط نزدیک‌تر با کشورهای اوراسیا، بهبود مسیرهای تجاری و تقویت جایگاه جهانی خود است.

به سبب ششور را افزایش داده و پس از درگیری با اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، به طور فشرده با روسیه، چین و هند تعامل داشته است. تهران خواهان روابط نزدیک‌تر با کشورهای اوراسیا، بهبود مسیرهای تجاری و تقویت جایگاه جهانی خود است. ایجاد اتحادهای قوی‌تر برای مشارکت‌های اقتصادی و کمک‌های لجستیکی است، روسیه و چین، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و قدرت‌های اصلی اوراسیا، همکاران راهبردی ایران هستند. هر دو کشور مخالف خود را با اقدام نظامی اسرائیل ابراز و حمایت خود را از ثبات منطقه‌ای از طریق گفت‌وگوی مشارکتی اعلام کردند. مخالفت مشترک با تحریم‌ها و مداخلات غرب، فضائی مناسب برای همکاری بیشتر با جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند.

اندیشکده اقتصاد مقاومتی در گزارشی با عنوان «ایجاد ظرفیت ۱۲هزار مگاوات برق تجدیدپذیر؛ موانع و اقدامات لازم» ابعاد تحقق هدف‌گذاری برنامه هفتم برای ایجاد ظرفیت ۱۲هزار مگاوات برق تجدیدپذیر تا سال ۱۴۰۷ را مورد بررسی قرار داده است. براساس این گزارش مسئله تأمین مالی چالش اساسی تحقق هدف‌گذاری فوق محسوب می‌شود و لازم است با ابزارهای حمایتی مختلف و متنوع این چالش مرتفع گردد. صرف اتکاء به روش خرید تضمینی به دلیل عدم تأمین منابع آن، برای توسعه تجدیدپذیرها کافی نیست و لازم است راهکارهای متنوعی برای تأمین مالی ریالی و ارزی ایجاد شود. نیروگاه‌های تجدیدپذیر در دستور کار قرار بگیرد. در پایان این گزارش شش اقدام برای رفع چالش‌های توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و تحقق اهداف برنامه هفتم پیشنهاد شده است. بیش از ۷۲ درصد از تولید انرژی اولیه کشور به گاز طبیعی وابسته است که امنیت انرژی را در برابر ناترازی‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی به چالش می‌اندازد. توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، یکی از راهکارهای کلیدی برای تنوع‌بخشی به سبد انرژی و کاهش این وابستگی است.

براساس ماده ۴۲ قانون برنامه هفتم پیشرفت، دستیابی به ظرفیت ۱۲هزار مگاوات برق تجدیدپذیر

تا سال ۱۴۰۷ هدف‌گذاری شده، در حالی که تا پایان سال ۱۴۰۳ تنها ۱۶۰۰ مگاوات محقق شده است. سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) برای جبران این فاصله، طرح‌هایی در قالب خرید تضمینی، بورس انرژی، تهاتر با صنایع و فاینانس خارجی تعریف کرده است، اما بخش زیادی از این طرح‌ها هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیداند. رفع موانع اجرایی، ارتقاء جذابیت سرمایه‌گذاری و استفاده کامل از ظرفیت‌های قانونی، شرط تحقق این هدف و مقاومت‌سازی سید انرژی کشور است. **هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه** برای تحقق هدف تعیین‌شده در ماده ۴۲ قانون

بیش از ۷۲ درصد از تولید انرژی اولیه کشور به گاز طبیعی وابسته است که امنیت انرژی را در برابر ناترازی‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی به چالش می‌اندازد. توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، یکی از راهکارهای کلیدی برای تنوع‌بخشی به سبد انرژی و کاهش این وابستگی است. براساس ماده ۴۲ قانون برنامه هفتم پیشرفت، دستیابی به ظرفیت ۱۲هزار مگاوات برق تجدیدپذیر تا سال ۱۴۰۷ هدف‌گذاری شده است.

برنامه هفتم پیشرفت مبنی بر دستیابی به ظرفیت ۱۲هزار مگاوات برق تجدیدپذیر تا سال ۱۴۰۷، نیاز است حداقل ۱۰هزار مگاوات ظرفیت جدید ایجاد شود؛ چراکه تا پایان سال ۱۴۰۳، تنها ۱۶۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر در کشور به بهره‌برداری رسیده است، در همین راستا، ساتبا طرح‌ها و قراردادهای متعددی را با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی منعقد کرده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

(۱) انعقاد ۶۵ قرارداد به سه ظرفیت حدود ۳۸۵ مگاوات برای عرضه برق نیروگاه‌های خورشیدی در بورس انرژی.

نشست کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای، نهم شهریور ۱۴۰۴ به میزبانی چین آغاز شده‌است. در این اجلاس به مهم‌ترین اجتماع سالانه سازمان همکاری‌های شانگهای محسوب می‌شود، رؤسای جمهور ایران، روسیه، چین، بلاروس و جمعی از کشورهای آسیای مرکزی و نخست‌وزیرهای هند و پاکستان حضور دارند. ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ بود که در جلسه سران سازمان شانگهای در هند، ایران رسماً به عنوان عضو این سازمان اعلام شد و شهید آیت‌الله رئیسی رئیس‌جمهور فقید که اهتمام ویژه‌ای برای حضور ایران در نهادهای بین‌المللی مستقل داشت، برای اولین بار در اجلاس شانگهای سخنرانی کرد.

شاخص‌های مهم در همکاری تهران و شانگهای
گزارش این پایگاه خبری، شاخص‌های مهم در همکاری تهران و شانگهای را چنین دسته‌بندی کرده است:
تکمیل بخش راه‌آهن رشت– آستارا از کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال– جنوب تا اواخر سال ۲۰۲۵، که تجارت بی‌وقفه از روسیه به هند را از طریق ایران تسهیل می‌کند.
رسمی‌سازی توافقنامه‌های تجاری دوجانبه جدید بین ایران و چین با روسیه، با تمرکز بر زیرساخت‌های انرژی، سیستم‌های تهاتر و معاملات با ارزهای محلی.
تمدید یا افزایش همکاری‌های نظامی و معاملات تسلیحاتی بین ایران و روسیه، به‌ویژه پس از انتقاد علنی مسکو از حملات غرب.

اقتصادی



خود حامل مزایا و منافع اقتصادی قابل‌توجهی برای ایران هستند.
سه میلیارد نفر جمعیت کشورهای عضو این سازمان، با وجود پیشینه فرهنگی که ایران با بسیاری از آنها داراست، فرصت مناسبی برای بخش‌های اقتصادی و گردشگری ایران خواهد بود. در میان

تهران از طریق سازمان همکاری شانگهای، در حال ایجاد اتحادهای قوی‌تر برای مشارکت‌های اقتصادی و کمک‌های لجستیکی است. روسیه و چین، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و قدرت‌های اصلی اوراسیا، همکاران راهبردی ایران هستند. هر دو کشور مخالفت خود را با اقدام نظامی اسرائیل ابراز و حمایت خود را از ثبات منطقه‌ای از طریق گفت‌وگوی مشارکتی اعلام کردند. همچنین تثبیت اقتصاد آن با توجه به چالش‌های ژئوپلیتیکی کنونی است. ناظران و تحلیلگران بر این باورند که عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند دسترسی قابل‌توجه تهران به بازار بزرگ و چند صد میلیونی

جداى از اینها، عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، عملاً جایگاه آن در ابتکار بزرگ دولت چین موسوم به «یک کمربند، یک راه» را تسهیل کرده و موجب تقویت پیوندهای ایران با دولت‌های آسیای‌مرکزی می‌شود؛ مسائلی که در نوع

برگزاری مناقصات برای احداث ۴هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی، ۴۵۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی ویژه (با تسهیلات صندوق توسعه ملی) و ۳۰۰۰ مگاوات نیروگاه بادی با خرید تضمینی برق براساس ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر؛ که از این میزان تاکنون تنها حدود ۴۰ مگاوات به بهره‌برداری رسیده است، در صورتی که تمام این ظرفیت به بهره‌برداری برسد، منابع مورد نیاز برای خرید تضمینی برق آنها سالانه به دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار خواهد رسید. (۳) انعقاد قراردادهایی به ظرفیت حدود ۱۱۲ مگاوات از محل منابع ماده ۶۱ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی که عمده ظرفیت نیروگاه‌های فعال فعلی نیز از همین مسیر تأمین شده است.

توسعه نیروگاه‌های خودتأمین صنایع با استفاده از ماده ۱۶ قانون جهش تولید دانش‌بنیان؛ که تاکنون ۳۳۶۰ مگاوات پیشنهاد از سوی صنایع ارائه شده است؛ برنامه‌ریزی برای احداث ۲۰۰ هزار و ۵۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر از طریق فاینانس خارجی که در این چارچوب، با چهار شرکت معتبر چینی تفاهم‌نامه‌هایی برای سه‌هزار مگاوات خورشیدی و یک‌هزار مگاوات بادی به روش EPCF امضا شده و ساتبا در نظر دارد هفت هزار مگاوات را با همین روش به صورت دولتی احداث و سپس به بخش خصوصی واگذار کند.

چگونگی تحقق برنامه هفتم توسعه در تولید برق تجدیدپذیر

وزارت نیرو نیز به‌دلیل بار مالی بالای این قراردادها، از انعقاد قراردادهای جدید استقبال نمی‌کند و اخیراً تازش کرده است با کاهش نرخ‌های خرید تضمینی، حتی از بار مالی قراردادهای قبلی نیز بکاهد.

الزام مصرف‌کنندگان بزرگ به خرید برق تجدیدپذیر

در واکنش به ناکارآمدی نسبی مدل خرید تضمینی، سیاست‌گذار به سمت ایجاد الزام برای مصرف‌کنندگان بزرگ، به‌ویژه صنایع، در تأمین برق از منابع تجدیدپذیر حرکت کرده است. طبق ماده ۱۶ قانون جهش تولید دانش‌بنیان، صنایع موظف شده‌اند حداقل پنج درصد از برق مصرفی خود را از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کنند. این الزام، توسعه

مدل «نیروگاه‌های خودتأمین» را به همراه داشته و خرید برق از بورس انرژی را نیز تسهیل کرده است. در راستای تقویت این مسیر، مشوق‌هایی مانند معافیت از مدیریت بار توانی‌سر برای صنایع تجدیدپذیر، محور پیش‌بینی شده، هرچند محدودیت‌های شبکه و ضرورت ایجاد فیدر اختصاصی، موانعی فنی در اجرای گسترده آن ایجاد کرده است. ظرفیت رقابت‌پذیری بورس انرژی نیز تا سقف پنج هزار مگاوات برآورد می‌شود اما افزایش تدریجی سهم تجدیدپذیر در الگوی مصرف صنایع مستلزم اقدامات سیاستی مکمل خواهد بود.

چالش دیگر توسعه تجدیدپذیرها

در کنار چالش‌های نهادی و مالی، توسعه تجدیدپذیرها با موانع اجرایی و زیرساختی نیز روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تأمین منابع انرژی برای واردات تجهیزات کلیدی است. به‌دلیل ظرفیت محدود تولید داخل، عمده تجهیزات نیروگاهی از چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌ها و اینورترهای خورشیدی تأمین می‌شود. به همین

شرکای عمده تجاری ایران، کشورهای چین، هند و پاکستان جایگاه ویژه دارند.
شانگهای، مکمل بریکس
عضویت ایران در پیمان شانگهای را باید مکمل عضویت رسمی در بریکس دانست. به گفته

منظور، سازمان ساتبا به‌دنبال توسعه نیروگاه‌ها از طریق مدل EPCF با شرکت‌های چینی و سپس واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی است. اقدامات

با این حال، تجربه اجرای این مدل در سال‌های گذشته نشان داده است که به‌دلیل ناترازی فراینده انرژی کشور، تحقق منابع پیش‌بینی‌شده بعضاً امکان‌پذیر نبوده و همین مسئله موجب ایجاد تعهدات مالی تحقق‌نیافته برای دولت، به‌ویژه وزارت نفت شده است. از سوی دیگر،



برای تحقق هدف تعیین‌شده در ماده ۴۲ قانون برنامه هفتم پیشرفت مبنی بر دستیابی به ظرفیت ۱۲هزار مگاوات برق تجدیدپذیر تا سال ۱۴۰۷، نیاز است حداقل ۱۰هزار مگاوات ظرفیت جدید احداث شود.

برنامه‌ریزی برای احداث ۲۰۰ نیروگاه سه مگاواتی توسط بخش خصوصی که تاکنون ۴۳۹ مگاوات آن در مرحله احداث قرار دارد.

هرچند مجموع ظرفیت طرح‌های ذکر شده به بیش از ۲۵هزار مگاوات می‌رسد اما با وجود این برنامه‌ریزی‌ها و تنوع الگوهای تأمین برق تجدیدپذیر، روند پیشرفت اجرایی بسیاری از این طرح‌ها کند است و بخش بزرگی از ظرفیت‌های قرارداد شده همچنان در مرحله پیش‌اجرا یا تفاهم‌نامه باقی مانده است. شایان ذکر است احداث هر مگاوات نیروگاه خورشیدی به حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار دلار سرمایه و هر مگاوات نیروگاه بادی به دو تا سه میلیون دلار

سرمایه نیاز دارد. بدین ترتیب، تأمین ۱۰هزار مگاوات برق خورشیدی نیازمند بیش از سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون سرمایه‌گذاری است. **مسیری ناهموار در حمایت از تجدیدپذیرها**
در سیاست‌گذاری توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، حمایتی همچون «خرید تضمینی برق» و «الزام تولیدکنندگان به رعایت سبد استاندارد انرژی تجدیدپذیر»، نقش مهمی ایفا کرده است. در ایران، مدل خرید تضمینی عمده‌تأ مبتنی بر منابع مالی حاصل از ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید اینورترهای خورشیدی تأمین می‌شود. به همین

حمایت مالی هدفمند از طرح‌های مقیاس کوچک توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر به منظور کاهش تلفات شبکه، افزایش مشارکت مردمی و کاهش فشار بر شبکه سراسری.

مسیر اقتصاد

کارشناسان، اعضای شانگهای و بریکس از کشورهای غربی نیستند، آنها با یکجانبه‌گرایی آمریکا مخالفت می‌کنند، سهم قابل‌توجهی در شکل‌دادن به نظم آتی بین‌المللی دارند و در رویه‌های تصمیم‌گیری براساس منافع اعضا، منافع قدرت‌های آسیایی و ملاحظات قدرت‌های نوظهور تصمیم‌گیر می‌کنند.

تقویت حضور ایران در شانگهای و بریکس، پروژه آمریکا و غرب برای انزوای ایران را با اختلال جدی مواجه می‌کند، مانع از اجماع قدرت‌های مؤثر بین‌المللی علیه ایران در آینده خواهد شد. همچنین هزینه تحرکات نظامی احتمالی علیه برنامه هسته‌ای ایران در آینده را افزایش خواهد داد، موجب افزایش جایگاه بین‌المللی ایران به‌ویژه در میان کشورهای غیرغربی می‌شود و همچنین موجب افزایش جایگاه ایران در نظم آتی بین‌المللی خواهد شد.

سازمان همکاری شانگهای از زمان تأسیس، خود را به عنوان یک گروه‌بندی منطقه‌ای متمرکز بر امنیت و همکاری معرفی کرده است. عضویت اعضای بیشتر، الحاق ایران و عضویت بلاروس، نفوذ جهانی این سازمان را گسترش داده و نشان‌دهنده ظهور آن به عنوان یک گروه‌بندی در تلاش برای استقلال استراتژیک و عملکرد بدون دخالت غرب است.

سازمان همکاری شانگهای به بستری برای ترویج ادغام اقتصادی و سیاسی جهانی جنوب تبدیل شده است. به نظر می‌رسد این تغییر باعث نگرانی واشنگتن شده است. به همین دلیل است که ایالات متحده تلاش کشورهای عضو سازمان را برای استفاده از

ارزهای خود برای تسویه تجارت، به عنوان چالشی برای دلار آمریکا می‌بیند و تلاش آن‌ها برای توسعه مسیرهای لجستیکی جایگزین و تشکیل مشارکت‌های انرژی را تهدیدی برای نظم جهانی تحت رهبری آمریکا می‌داند.

با شناخت نفوذ فزاینده کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و کمبود ابزار برای رقابت مؤثر، دولت آمریکا نعره‌ها و تحریم‌های تبعیض‌آمیزی را بر بسیاری از آن‌ها اعمال کرده است تا رشد آن‌ها را محدود کند.

آخرین نمونه تحریم‌ها در ۱۵ مردادماه بود، زمانی که آمریکا تعرفه ۵۰ درصدی بر کالاهای هندی اعمال کرد. اخطار قبلی آن برای افزودن ۱۰ درصد دیگر در پاسخ به نقش هند به عنوان عضو بریکس همچنان پابرجاست. در ابتدا، آمریکا تعرفه ۲۵درصدی بر کالاهای هندی اعمال کرد و سپس ۲۵درصد اضافی به عنوان مجازاتی برای خرید نفت روسیه توسط هند، علی‌رغم ملاقات اخیر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات‌متحده با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه

در شهر آنکوریج آلاسکا، نه آمریکا و نه اروپا تحریم‌های ضربه‌سیه را کاهش نداده‌اند و حتی اروپایی‌ها تحریم‌ها جدیدی را هم علیه روسیه وضع کرده‌اند.

علاوه بر این، دولت ایالات‌متحده سیاست «فشار حداکثری» را در قبال ایران اتخاذ کرده و تحریم‌هایی بر صنعت نفت، و بخش‌های مالی، لجستیک و هوانوردی آن اعمال کرده است. و در حال بررسی شرکت‌های چینی و هندی است که در پروژه‌های زیرساختی با ایران مشارکت دارند.

فاکتورینگ معکوس

ابزاری برای مقابله با چالش‌های اعتباری در زنجیره تأمین

بر تربط با این ابزارها به ۷۱۳ میلیارد دلار بالغ شد و رشد ۴۱ درصدی را تجربه کرد. این رشد عمدتاً در مناطق آسیا و آفریقا مشاهده می‌شود، در حالی که آمریکای شمالی و آمریکای لاتین بیشترین سهم را در کاربردهای صنعتی دارند. شیوع همه‌گیری کوید-۱۹ نیز به عنوان کاتالیزوری برای این رشد عمل کرد. در حالی که بحران‌های اقتصادی معمولاً دسترسی به اعتبار را محدود می‌سازند، فاکتورینگ معکوس با تمرکز بر روابط اعتباری پایدار، جهشی قابل توجه داشته است. سهم این ابزار در روش‌های مبتنی بر مطالبات در برخی کشورها دو برابر شد و حجم جهانی آن به ۶۴۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون یورو افزایش یافت. این روند نشان می‌دهد که فاکتورینگ معکوس می‌تواند مقاوم در برابر شوک‌های اقتصادی است، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت پایداری زنجیره‌های تأمین عمل کند.

مدل برد – برگرد نامی نمایان
فاکتورینگ معکوس مزایای متعددی برای طرف‌های درگیر ارائه می‌دهد و آن را به یک مدل اقتصادی گرامد تبدیل می‌کند. برای خریداران بزرگ،



این ابزار جریان نقدینگی را بهبود می‌بخشد، روابط با تأمین‌کنندگان را تقویت می‌نماید و حتی امکان مذاکره بر سر قیمت‌های پایین‌تر را فراهم می‌آورد. تأمین‌کنندگان کوچک نیز از کاهش ریسک عدم پرداخت، دسترسی سریع به نقدینگی و کاهش وابستگی به وام‌های بانکی با نرخ بهره بالا بهره‌مند می‌شوند. مؤسسات مالی نیز با تکیه بر اعتبار خریدار، ریسک کمتری را متحمل می‌گردند و بازدهی بالاتری کسب می‌کنند. این مزایا در زنجیره‌هایی با یک خریدار مرکزی و تأمین‌کنندگان متعدد کوچک، بیشترین کارایی را نشان می‌دهند. برای نمونه، در مرکزیک، پیاده‌سازی این مدل منجر به افزایش ۲۵ درصدی گردش کار در فاکتورهای فروش (مطالبات) را پیش از سررسید به پول نقد تبدیل نمایند.

برخلاف فاکتورینگ سنتی که بر اعتبار فروشنده تمرکز دارد، فاکتورینگ معکوس بر اعتبار خریدار قوی تکیه می‌کند. به این ترتیب، تأمین‌کننده می‌تواند با نرخ بهره پایین‌تر و بدون نیاز به وثیقه‌های سنگین، نقدینگی فوری دریافت کند. این روش، ریسک عدم پرداخت را کاهش می‌دهد و جریان مالی را در کل زنجیره تأمین تسریع می‌بخشد. برای مثال، در این فرآیند، خریدار فاکتور را تأیید می‌کند، مؤسسه مالی آن را خریداری می‌نماید و تأمین‌کننده پول را بلافاصله دریافت می‌کند، در حالی که پرداخت نهایی توسط خریدار در سررسید انجام می‌شود.

روندهای رو به رشد و تأثیرات اقتصادی

بازار جهانی فاکتورینگ معکوس در سال‌های اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. بر اساس گزارش BCR، ارزش کل فعالیت‌های SCF در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۸۰۰ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده افزایش ۳۸ درصدی نسبت به سال پیشین است. همچنین، حجم سرمایه در گردش

صفحه ۸

سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴

۹ ربیع الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۴۳



ناظران و تحلیلگران بر این باورند که عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند دسترسی قابل‌توجه تهران به بازار بزرگ و چند صد میلیونی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای را هموار کند. در این چارچوب، ایران می‌تواند تا حدی به صادرات مواد نفتی و پتروشیمی خود به کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز امید داشته باشد و در عین حال برخی نیازهای فناورانه، مالی و صنعتی خود را نیز از این منطقه تأمین کند.

سازمان همکاری شانگهای یک بلوک برای مقابله با غرغ به رهبری ایالات‌متحده نیست. اما این سازمان در حال ظهور به عنوان یک گروه کلیدی سیاسی و اقتصادی است که به دنبال بهبود نظم جهانی است. اجلاس سران در تیانجین می‌تواند نقطه عطفی برای سازمان همکاری شانگهای باشد، زیرا به زودی می‌تواند خرد جایگزینی برای قواعد و سیستم‌های تجاری بین‌المللی به کشورهای جهان جنوب ارائه دهد.

منبع: رسانه‌ها

فاکتورینگ معکوس ابزاری برای مقابله با چالش‌های اعتباری در زنجیره تأمین

با این حال، افزایش صدور اوراق به سمت فعالیت‌های سوداگران سوق یافت و بانک مرکزی در سال ۱۴۰۱ با اعمال محدودیت‌ها، حجم انتشار را کاهش داد. در حلال حاضر، چالش‌هایی مانند پیچیدگی فرآیندها، رقابت با ابزارهای سنتی مانند اعتبارات اسنادی و عدم پذیرش اوراق توسط دستگاه‌هایی نظیر اداره امور مالیاتی، مانع از گسترش کامل این ابزار شده‌اند. با وجود این، زیرساخت‌های موجود و تجربه پنج‌ساله، بستری مناسب برای توسعه فراهم آورده است. در صورت رفع این موانع، اوراق گام می‌تواند در بخش‌های کلیدی مانند نفت، گاز و خودروسازی نقش محوری ایفا کند.

آینده فاکتورینگ معکوس در ایران
آینده فاکتورینگ معکوس در ایران به دو مسیر وابسته است. در سناریوی مثبت، با اعمال اصلاحاتی نظیر پذیرش سراسری اوراق در دستگاه‌های دولتی (به ویژه وزارت صمت و اداره مالیات)، توسعه معاملات در بورس کالا، ارائه مشوق‌های مالیاتی برای کاهش هزینه‌ها و تمرکز بر زنجیرهای بزرگ مانند خودروسازی، این ابزار می‌تواند به موتور محرک رشد اقتصادی تبدیل شود. نتیجه احتمالی شامل بهبود



جریان نقدینگی، کاهش فشار بر نظام بانکی و افزایش تولید و اشتغال تا ۲۰-۳۰ درصد خواهد بود مشابه تجربیات جهانی. در مقابل، سناریوی منفی در صورت تداوم موانع فعلی، می‌تواند منجر به افول این ابزار گردد. در این حالت، وابستگی به تأمین مالی سنتی با هزینه‌های بالا افزایش می‌یابد، زنجیره‌های داخلی تضعیف می‌شوند و خریداران به سمت واردات گرایش پیدا می‌کنند. این امر رقابت‌پذیری اقتصاد را کاهش داده و ممکن است به افزایش بیکاری و ناپایداری اقتصادی بینجامد.

فاکتورینگ معکوس، به عنوان ابزاری جهانی و کارآمد، ظرفیت بالایی برای حل چالش‌های اعتباری بنگاه‌های کوچک و متوسط دارد. در ایران، اوراق گام می‌تواند این نقش را ایفا کند؛ مشروط به هماهنگی نهاده‌ا، اصلاح قوانین و سرمایه‌گذاری در آموزش، بدون جنین اقداماتی، فرصت پیوستن در روند رو به رشد SCF جهانی از دست خواهد رفت و مشکلات اعتباری تداوم می‌یابند. سیاست‌گذاران باید با اولویت‌بندی این حوزه، زمینه‌ای برای توسعه پایدار فراهم آورند.

خبرگزاری تسنیم